

نگاه

زیستن از پس مرگ

نمایشگاه آثار امید بنگدار با عنوان ره‌آورد زرتشت



علی فرهمند

نویسنده

روایت است زرتشت سه درخت سرو کاشت؛ سروی سهی در کاشمر امروزی، یکی در ابرکوه و دیگری در خوارزم. سه سرو که هرکدام نشانی از زندگی با خود دارد. پس از آن، زرتشتیان کاشتن درخت سرو را به نیت زایش و نامیرایی به آیین خود درآوردند. سرو جادوانگی است چونان که حافظ می‌گوید: «به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید/ که می‌رویم به داغ بلندبالایی». حافظ در اشعار خود گاه سرو را با اعتنا به آیین زرتشت به کار برده است: «بلبل ز شاخ سرو به گلپانگ پهلوی / می‌خواند دوش درس مقامات معنوی». بلبل نیز در فرهنگ زردشت، مرغ زنده‌خوان معنا شده؛ پرنده‌ای که برای زندگان می‌خواند. سرو زندگی است و آفریننده میترا؛ بزرگ‌ترین ایزد پیش از پیدایش زرتشت. درعین‌حال اگرچه زرتشت به کشتار مهرپرستان روی آورد، سرو نزد زرتشتیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده. در فرهنگ اساطیری ایران، درخت سرو بی‌ارتباط با زن نیست. گاه این درخت به مادر و آفریننده تشبیه شده؛ نماد زایش و جاودانه‌شدن. گاه در اشعار فارسی به معشوق نیز نسبت داده شده است. باری، سرو مهرآفرین است و زایشگر و کاشتن سرو، سنت زرتشتیان. چنین است ره‌آورد زرتشت: طاعت سرو.

سرو بلندبالات و آزاده، آزادی زبان سرو است و زنانگی هویت سرو و زندگی سرشت آن. سرو هر سه اینهاست: زندگی، زن، آزادی. اما چند هزار سال پس از آن ره‌آورد، نقاشی‌های امید بنگدار نه دربار کاشتن، که دربار کشتن سرو است. ره‌آورد زرتشت نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های امید بنگدار پس از پیشینه تاریخی گرامی‌داشت سرو، درباره فریادهای این درخت است؛ درباره سوزاندن آن و اقدام به بریدنش. اصلا می‌توان سررو را کشت؟ این سوآلی است که با تماشای درختان نقاشی‌شده به ذهن می‌رسد. چگونه می‌توان نامیرایی را به مرگ محکوم کرد؟ در بدو ورود، سه درخت سرو خودنمایی می‌کند. سه مجسمه که می‌تواند اشاره به ره‌آورد زرتشت باشد؛ سروهایی که به دستنار زرتشت کاشته شد. سپس پنج سرو نقاشی‌شده از پی هم می‌آید که هرکدام سرر از بناهای تاریخ درآورد. این پنج سرو، تاریخ زایش و فرهنگ را به ما نشان می‌دهد. تاریخ کاشتن را و آفریدن را؛ اشکال هندسی و نقوش کلاسیک بناهایی که سرو را در خود جای داده است. سروها در خانه‌ها و بناهای تاریخ جا خوش کرده و نشان از اهمیت این درخت در فرهنگ ایرانیان دارد، اما پس از آن است که تاریخ معاصر آغاز می‌شود. پنج سرو سبز ولی هرکدام در هاله‌ای از جنون رنگ‌های سرخ و زرد. سروهای بحران‌زده، سروهای سهی اما غمین. باین‌حال سبزی درختان همانی است که هست. انکار دور درختان را آتش فروخته‌اند اما سرو نمی‌سوزد، بلکه سبزی‌اش، بلندی‌اش و جادوانگی‌اش تازه میان این آتش است که دیده می‌شود. تاریخ زن را می‌توان در این پنج تا ملاحظه کرد.

گام دیگر، تاریخ نزدیک است و سروها- زن‌ها- در آتش و خون می‌سوزند. سروها به صورت نیامه زنانه درآمده و آتش گرفته است. این سه سرو نقطه بحرانی نمایشگاه است و ویران‌کننده ره‌آورد زرتشت. سروها به تعبیر ابتهاج، «شهید» شده‌اند. می‌توان به اتکای رنگ‌های تند این سه سرو، ادعا کرد این نقاشی‌ها صدا نیز دارند؛ صدای فریاد و سوزش، صدای مرگ. اما این پایان ماجرایش نیست. نقاش از نقاشی‌های صدادارش زود گذر می‌کند. سه سرو قربانی را نشان می‌دهد تا بی‌شمار درخت- که از پس فریادهای آن سه ره‌آورد- تکثیرشده را نشانه رود. از این نقطه به بعد، نمایشگاه و درخت‌هایش، به انتزاع محض نزدیک می‌شود؛ تا آنجا که به‌سختی می‌توان از میان خطوط، سروها را تشخیص داد. این نقطه دکدریسی سروها و زن‌هاست. سروها در تغییر شکل و زن‌هایش در پی اسطوره‌شدن، راه به مسیری اسرارآمیز و انتزاعی سپرده‌اند. در یک نقاشی، نوک تیز سرو به ماه (یا خورشید) رسیده و در نقاشی دیگر، دو سرو کوچک در یک سرو فروریخته و وارونه، تکثیر شده است. این مضمون را می‌توان در نیمی از نقاشی‌ها دریافت کرد. درختان سوختند و از دل آتش، چندتا آفریده شد. در یک نقاشی، چند سرو را درهم‌تنیده از چند نور نشان می‌دهد و رنگ‌هایش آرمانی است؛ سبز و آبی، انکار جهان را سرو گرفته است. دیگری در شب پرستاره، دو سرو را کنار یکدیگر نشان می‌دهد؛ دوتای مهربان و متحد با هم. سروها در آتش، سیمرخ جاودانه می‌شوند. سیمرخ نماد نوزایی پس از مرگ است و نیمی از نقاشی‌ها، زایش مجدد اسطوره سرو در آتش را نشان می‌دهد. تا آخرین اثرش که سروی است در نسبت طلایی که جهان را به خود گرفته. ره‌آورد زرتشت، طاعت زن بود. سرو، در آتش، گلستان شد و زن نیز از میان خون و فریاد زاده شد. امید بنگدار در نمایشگاه هاورد زرتشت نشان می‌دهد زن بودگی، مرگ و زندگی را توانسان با خود خواهد داشت؛ زندگی‌ای که از پس مردن زاده می‌شود.



گزارش

نقش صنعت خودرو در اشتغال‌زایی و کاهش بی‌کاری

خودروسازی فرصتی بزرگ برای کشور

گذشته از تمام این موارد وجود صنعت خودرو علاوه بر مزایایی که گفته شد، یک فرصت بزرگ برای کشور محسوب می‌شود، افزایش تقاضای داخلی و صادرات خودروهای ساخت داخلی به کشورهای

دیگر فرصتی است که در این صنعت وجود دارد. با توجه به جمعیت بالای ایران و نیاز به حمل‌ونقل، بازار داخلی بسیار بزرگی برای خودروسازان در ایران فراهم است. در ضمن، با بهبود کیفیت و تکنولوژی تولیدی، می‌توان صادرات خودروهای ساخت داخلی به کشورهای دیگر را نیز افزایش داد. به این ترتیب، می‌توان از برداشت اقتصادی قابل توجهی برای کشور و شرکت‌های خودروسازی ایران صرفه‌جویی کرد.

در این بین نباید فراموش کرد که همواره در سال‌های گذشته خودروسازهای بزرگ دنیا تمایل خود برای همکاری با صنعت خودرو را نشان دادند و اگر در این بین مشکل تحریم‌های ظالمانه از بین برود، مجدداً خودروسازهای بزرگ به سراغ تولیدکنندگان داخلی خواهند آمد و این افتخاری است که همانند گذشته صنعت خودرو برای کشور به ارمغان خواهد آورد.



نمایشگاه نقاشی «فلانور» در فضایی سوررئال به بازنمایی تصویری از گالری‌گردها پرداخته است

پرسه‌زن‌ها در قاب



زینب‌مرتضایی‌فرد

روزنامه‌نگار

پدیده‌های شهری و مدرنیته شد. پس پرسه‌زنی تنها به قدم‌زنی در خیابان‌های شهر محدود نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند شیوه‌ای از تفکر فلسفی و زندگی باشد.

روستائیان‌فرد در این نمایشگاه همین پرسه‌زن‌های جدی را سوزه کار خود قرار داده و بخشی از محل آموشد جدی آنها یعنی گالری‌ها را در فضایی مدرن و سوررئال به تصویر کشیده است. او یک نقاش حرفه‌ای است و گفتن از اینکه در طراحی دست‌ی قوی دارد و رنگ‌ها را به خوبی می‌شناسد، حرف‌زدن از بدیهیات کار اوست، اما انتخاب نقاشی با رنگ و روغن روی کاغذ انتخابی خاص و دشوار است که توجه مخاطب تیزبین هنر را به خود جلب می‌کند؛ چراکه این دو اساساً با هم بیگانه هستند و

گفت‌وگو با ساناز ارجمند به بهانه نمایش مجموعه جدیدش در گالری ثالث

هر لحظه از نگاه‌شان، حامل حقیقتی است



بزرگ‌ترین چالش من، ایجاد اعتماد و نزدیکی به سوزه‌ها بود. بسیاری از این افراد به دلیل زندگی روزمره‌شان و عدم

عادت به عکاسی، در ابتدا احساس راحتی نمی‌کردند. اما به مرور زمان و با برقراری ارتباط انسانی، توانستم به چهره‌های واقعی و احساسی آنها نزدیک شوم. واکنش‌ها از حیرت و کنجکاوی تا کمی تردید از سوی آنها متغیر بود، اما در نهایت وقتی که متوجه شدند هدف من تنها به تصویر کشیدن زیبایی و داستان‌هایشان است، همکاری بیشتری نشان دادند.

✚ نورپردازی در آثار شما تأثیر آشکاری دارد؛ این نکته را صرفاً در این مجموعه مورد توجه قرار دادید یا همیشه به این عامل توجه داشته‌اید؟

نورپردازی همواره یکی از عناصر کلیدی در عکاسی من بوده است. در این مجموعه، از نور طبیعی به عنوان یک عنصر حیاتی در ایجاد جو و احساسات در عکس‌هایم استفاده کردم. با استفاده از نور در سطوح مختلف، خواستم زندگی و چهره‌های این افراد را در محیط‌های طبیعی به بهترین شکل به تصویر بکشم. این توجه به نورپردازی نه‌تنها در این مجموعه، بلکه در تمام آثارم حائز اهمیت است.

✚ بیشتر بر فرم تمرکز دارید یا محتوا؟

عکاسی برای من همیشه یک راه بیان هنری بوده است که می‌توانم از طریق آن تجربیات و احساسات خود را منتقل کنم. به دلیل علاقه‌ام به انسان‌ها و داستان‌های زندگی‌شان، تصمیم گرفتم عکاسی را به عنوان حرفه خود انتخاب کنم. این انتخاب به من این امکان را داد تا با دنیای متنوعی از فرهنگ‌ها و تجربیات انسانی آشنا شوم.

✚ چه شد که به عکاسی روی آوردید؟بازخورد نمایشگاه را چگونه دیدید؟

بازخورد نمایشگاه بسیار مثبت بود و خوشحالم که توانستم توجه هنرمندان مطرح تجسمی، سینما، رسانه و مردم را به موضوعات مهمی جلب کنم که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. بینندگان با داستان‌ها و چهره‌های این مجموعه ارتباط عمیق‌تری برقرار کردند و این موضوع برای من بسیار خوشحال‌کننده بود و حتماً که درصدی از فروش آثار را برای

شرق

گالری‌گردی

گالری سهراب

باغ انار می‌شود

«باغ اناری» عنوان نمایشگاه نقاشی علی خسروی است که از ۲۷ مهر تا ۱۰ آبان در گالری سهراب برپا می‌شود

علی خسروی درباره نمایشگاه باغ اناری گفت: باغ اناری گزیده‌ای از نقاشی‌های من است که تاکنون به نمایش گذاشته نشده‌اند. این مجموعه دربرگیرنده ۵۲ نقاشی با تکنیک اکرولیک در ابعاد مختلف است. بزرگ‌ترین اثر این مجموعه ۲۰۰ در ۱۵۰ و کوچک‌ترین اثر نیز ۷۰ در ۵۰ است. او افزود: بیشتر نقاشی‌های این مجموعه را در یک سال اخیر کشیده‌ام و بقیه آثار این مجموعه نیز از دوران کرونا به این سو خلق شده‌اند. همه نقاشی‌های مجموعه فیگور زن است و عنوان این مجموعه را «مهربانوان خنیاگر» گذاشته‌ام. این زنان خنیاگر همگی نوازنده هستند و سازهای ایرانی می‌نوازند. آثار این مجموعه آناتومی دقیق یک زن دارد و کشیدگی اندام‌ها داعی‌کننده وجود زنانه است. به غیر از ساز ایرانی، انار یکی از موتیف‌های تکرارشونده در این مجموعه به شمار می‌رود.

این هنرمند افزود: شیوه‌کار از جهت ضربه‌های قلم و رنگ‌های روشن و فضاهای بیرون، متأثر از امپرسیونیسم اما متفاوت از آن است، چراکه بیشتر یک شیوه شخصی را دنبال کرده‌ام و برعکس هنرمندان امپرسیونیست، این آثار در آتلیه اجرا شده‌اند.

خسروی که در عرصه طراحی و گرافیک نیز از هنرمندان شناخته‌شده به شمار می‌رود، درباره فاصله طولانی برای برپایی نمایشگاه‌های نقاشی‌اش گفت: من به عنوان طراح گرافیک در انتشارات سروش کار می‌کردم و پس از بازنستگی به دنبال عقلم، نقاشی رفتم و همین امر موجب شده که نمایشگاه‌های کمی بگذارم و فاصله طولانی میان نمایشگاه‌هایم بیفتد. البته در یک سال گذشته تاکنون چهار نمایشگاه انفرادی برپا کرده‌ام و آثارم در چندین نمایشگاه گروهی به نمایش گذاشته شده است.

خسروی که تاکنون کتاب‌های متعددی منتشر کرده، قصد دارد گزیده‌ای از نقاشی‌هایش را در قالب کتاب منتشر کند.

علی خسروی، طراح گرافیک، تصویرساز و نقاش متولد ۱۳۲۷ در کرمان و فارغ‌التحصیل رشته گرافیک از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او عضو انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران است و از سال ۱۳۵۳ به مدت ۲۰ سال با بخش گرافیک انتشارات سروش همکاری داشته است. شرکت در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی در نقاشی و دوسالانه‌های گرافیک در داخل و خارج از ایران از دیگر سوابق هنری اوست. انتشار کتاب «نقشی به یاد» مجموعه تصویرسازی از چهره هنرمندان موسیقی ایران (چاپ اول ۱۳۷۰ - چاپ دوم با اضافات گرافیک و تصویرسازی چاپ و نشر نظر ۱۳۴۴، طراحی بیش از ۴۰۰ پوستر از شخصیت‌های فرهنگی و هنری ایران، طراحی بیش از هزار چهره از شخصیت‌های فرهنگی و هنری ایران و شرکت در سیزدهمین و شانزدهمین حراج تهران، از دیگر فعالیت‌های فرهنگی این هنرمند است. نمایشگاه باغ اناری تا ۱۰ آبان‌ماه در گالری سهراب به نشانی خیابان سمیه، بین مفتح و رامسر، شماره ۱۴۲ میزبان علاقه‌مندان است.

